

## نگاهی به جمع قرآن و بخش های مربوط به آن

محمد علی فکوری \*

قرآن یکی از صحایف نورانی خداست که از زمان نزول بر افتخار آفرینش، شگفتی های بسیار و ارمغان های پر بار در دفتر تاریخ و فرهنگ بشریت نگاهت.

این صحیفه گرانسنگ از همان روزگار تجلی و ظهور خود، زمینیان را به همتی بلند و تلاش همه جانبه، برای عروج به عرش فرا خواند. از همین روی کسانی که به او عشق ورزیدند و به او دل بستند، او چراغ، دین و دنیایشان، و صفابخش جان و روانشان، گردید و به آنان تفسیر بهستی و حیات جاودانه بخشیدند.

قرآن، یگانه پیام آسمانی است که اصالت خود را در گذر تاریخ نگه داشته و راه دراز تاریخ را به شایستگی پیموده و از هر گونه تحریف و گزند زمانه در امان مانده است: «انا نحن النزلنا الذکر و انالہ لحافظون»<sup>۱</sup>: این پیام که در تاریکترین و ظلمانی ترین تاریخ بشریت فرود آمد، بشریت را از غرقاب جهل و گرداب فلاکت به سوی سعادت رهانید و همواره چشمه های زلال و نیلگون دانش را بر اندیشه ی آدمیان جاری و اسرار پنهان کاینات را بر آنان باز گفت.

امروز نیز این پیام و کتاب الهی، همان فانوس روشنایی بخش و هدایت گر راستین است که آن شگفتیها را در زمینه های مختلف پدید آورد حکمت او لایزال است و قدیم، ظاهرش دلربا و پنهانش بی کران است، عجایب آن فرجام ناپذیر و تازگی هایش بی پایان است و تاریکی ها و بدان روشنایی می یابد.<sup>۲</sup>

انسان امروز پس از سرخوردگی های بی شمار از مکتب های وارانته و خود ساخته خویش، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند هدایت و رهبری مکتب و حیاتی است. بدین لحاظ ضروری است برای تحول بشری، مفاهیم بی کران آن مکتب آسمانی یازشناسی و سعی فزونتتری در احیای معارف آن صورت گیرد.

\* فارغ التحصیل دوره کارشناسی

علوم قرآنی مطابق اصطلاح مرسوم امروزی، آن دسته دانشهایی است که مبانی، فهم و ابزار شناخت قرآن کریم را تسهیل می کند. و به تعبیری، علوم قرآنی مباحث مقدماتی برای شناخت قرآن و پی بردن به شوون گوناگون آن است بحث درباره قرآن و شناخت مسائل مختلف آن، از همان دوران ظهور و نزول آن مطرح بوده است لذا علوم مرتبط به آن، پیشینه ی به درازای عمر قرآن و ظهورش دارند.

از نظر ساختار پاره ای از این علوم بر محور اصالت متن و موضوعاتی همچون: وحی، اعجاز، تدوین، و تحریف ناپذیری قرآن و... استوار است و پاره ای دیگر از مجموعه علوم پیرامون قرآن، دانشهایی است که مستقیماً به فهم وحی و قلمرو آن پرداخته است. ( اصول و مبانی فهم قرآن ). هر یکی از این دو محور دارای شاخه های بسیار و مطالبی ژرف می باشد. لذا نوشتاری که پیش روی خواننده گرامی قرار می گیرد به زیر مجموعه یکی از شاخه ها یعنی ( تدوین و جمع قرآن ) پرداخته است.

### ۱- ورود خط به شبه جزیره عربستان :

اهمیت خط، نگارش و نقش آن در ثبت تحولات و حوادث از آغاز پیدایش آن، برای هیچ دانشمندی، بلکه خردمندی پوشیده نیست، چه اینکه این کتابت و نگارش است که زوایای تحولات حیات بشری را برای آیندگان بازگو و زمینه ای پندپذیری را فراهم نموده و می نماید. از این رو، آنچه واضح و مسلم است این که: خط و نگارش یکی از دو ابزار و وسیله ای بوده است که، برای حفظ کتابت مقدس آسمانی یعنی قرآن کریم در صدر اسلام استفاده می شده است، ابزار دیگر حافظه و سینه های صحابیان بوده است که به این امر مهم همت می ورزیده اند.

این که پیدایش خط و خط عربی یکی بوده و چه تحول و دگرگونی در آن روی داده، و نظر دانشوران قدیم و جدید اسلامی و یا شرق شناسان در اصل پیدایش چه بوده است ؟ در این نوشتار مورد نظر نیست. آنچه که منظور است این است که: همزمان با ظهور اسلام، خط و نگاره در شبه جزیره عربستان راه یافته است ؟ یا نه ؟ با توجه به این که شهر مکه سالها پیش از ظهور اسلام و بعثت پیامبر(ص) یک مرکز تجاری و احیاناً کانون ادبی بوده است اصولاً باید عده ای از افراد آن سامان به خواندن و نوشتن آشنایی داشته باشد تا معاملات و قراردادهای بازرگانی را ثبت نمایند.

بلاذری مورخ معروف، سلسله حلقات انتقال و ورود خط عربی به جزیره العرب را این گونه بیان می دارد که: مرامر بن مره، اسلم بن سدره و عامر بن جدره هجاء خط عربی را با هجاء خط سریانی مقایسه و حروف، وصل و فصل این حروف، نقطه گذاری، اعراب و اعجاز آن را وضع و مشخص

ساختند و به ترتیب بوسیله آنان، خط و نگارش به اهل انبار، حیره، بشر بن عبدالملک، سفیان بن تمیه و ابی قیس بن عبد مفاف رسید...<sup>۲</sup> و در نتیجه خط عربی در سراسر جزیره العرب گسترش و رواج یافت.

پس روشن است که پیش از ظهور اسلام نگارش در شهر مکه راه یافته و مقارن با بعثت پیامبر اسلام (ص) کسانی هر چند اندک یا خواندن و نوشتن آشنایی داشته اند. یکی از قرائنی که ما را به صحت این امر واقف می سازد، نکته ی تاریخی واقعه بدر است یکی از گوشه های این واقعه مهم تاریخ اسلام بیانگر ترویج خط و نگارش توسط پیامبر امی اسلام (ص) و اعلام آن به مردمان جهان است. آن زاویه این است که: پیامبر (ص) از امیران، کفار و مشرکین مکه که خواندن و نوشتن می دانستند، خواستند که در قبال آزادی شان هر فردی به ده کودک مسلمان، خواندن و نوشتن آموزش دهند.<sup>۴</sup>

## ۲- اهمیت پیامبر (ص) و کتابت وحی:

پس از آگاهی از این مطلب ( ورود خط و با سوادى مردم) همه می دانیم که پیامبر مکرم اسلام (ص) امی بوده و در قرآن و احادیث به عنوان نا آشنا به خواندن و نوشتن معرفی شده است چنانچه که از آیات شریفه قرآن کریم:

الف) « و ما کنت تتلوا من قبله من کتاب ولا تحظه بيمينک اذا لارتاب المبطلون. »<sup>۵</sup>

ای پیامبر پیش از نزول قرآن نه نوشته ای را خواندی و نه بدست خود چیزی نوشتی، ( و اگر سابقه خواندن و نوشتن قبل از نزول قرآن در زندگانی تو می بود جای آن داشت که ) معاندان در نبوت تو تردید می کردند و در دیگران نیز ایجاد شک می نمودند.

ب) « الذین يتبعون النبى الامى الذى یجدونه مکتوبا عندهم فى التورات والانجیل... »<sup>۶</sup>

آنان که از رسول نا آشنا به خواندن و نوشتن پیروی می کنند ( اوصاف ) او را در نزد کسانی که تورات و انجیل در دست شان است نگاشته می یابند.

ج) « لقد من الله على المومنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم

الکتاب والحکمه وان کانوا من قبل لفي ضلال مبين »<sup>۷</sup>

بدرستی خداوند بر مومنان منت گذاشت بدان جهت که در بین آنان رسولی از خودشان برانگیخت که آیات خدا را تلاوت کند و نفوس آنها را از هر نقص و آرایش پاک گرداند و به آنان احکام شریعت و حقایق حکمت بیاموزد، هر چند پیش از آن گمراهی آنها انکار بود.

چنین برداشت می شود که: پیامبر(ص) نه چیزی را خوانده و نه چیزی را نوشته است، بسیاری از دانشمندان مسلمان نیز بر این نظریه اند که پیامبر(ص) در طول حیات خویش، نه چیزی نوشته و نه نوشته ای را به منظور خواندن نگریسته است. لذا بررسی شواهد قرآنی و قرائن تاریخی ما را به این نتیجه می رسانند که خود پیامبر(ص) کاتب و نگارنده وحی نبوده است بلکه کاتبان وحی کسان دیگری بوده اند که با املاء شخص پیامبر(ص) به نگاشت وحی می پرداخته است.

### ۳- نویسندگان وحی:

در این که نگارندگان وحی در عصر رسالت چند نفر بوده اند بین دانشوران و اندیشمندان، اختلاف نظر وجود دارد. گروهی از شرق شناسان، نویسندگان وحی را از ۴۰ تا ۴۰۰ نفر شمرده اند.<sup>۸</sup> اما برخی از محققین اسلامی تعداد کاتبان وحی را تا بیش از ۴۰ تن ذکر کرده اند.<sup>۹</sup>

بهر حال درباره اولین کاتب وحی در مکه، محققان اهل سنت از عبدالله بن سعد سرح، و راجع نخستین نویسنده وحی در مدینه از ابی بن کعب نام برده اند و گفته اند که: در غیاب ابی بن کعب، زید بن ثابت عهده دار این مهم بوده است.<sup>۱۰</sup> ولی بر اساس روایات و اسناد تاریخی آنکه در مکه به کتابت امور پیامبر(ص) مخصوصا کتابت وحی اشتغال داشته و در مدینه هم پیش از همه در امر نگارش موفق بوده علی بن ابی طالب(ع) و سپس زید بن ثابت و دیگران بوده اند چون علی بن ابی طالب(ع) پیش از دیگران ملازم پیامبر(ص) بوده و پیامبر(ص) نیز اصرار فراوان داشته تا علی(ع)، آنچه را نازل می شود، نوشته و ثبت نماید تا چیزی از قرآن و وحی آسمانی از علی(ع) دور نماید.

حتی ابن ندیم در کتابش تحت عنوان «الاجماع للقرآن علی عهد النبی» نخست از علی بن ابی طالب(ع) و سپس از دیگران نام برده است.<sup>۱۱</sup>

بنابراین این کتابت وحی و نگارش قرآن در زمان پیامبر(ص)، مطلبی است که هیچ گونه ابهامی در آن راه ندارد لذا جهت تأیید این امر به دو نمونه تاریخی اشاره می گردد: ۱- شهید ثانی در المرید نوشته است که: پیامبر(ص) به یکی از نویسندگان وحی فرمود: «القی الدوات و حرّف القلم و الضب الباء و فرق السین و لا تعور المیم و حسن الله و مد الرحمن و جود الرحیم و ضع قلمک علی اذنک الیسری»: دوات را لایقه کن، قلم را کج نگه دار، باء را بلند بنویس، (دندانهای) سین را پراکنده ساز، میم را کور و تو پر منویس، الله را نیکو بنویس، رحمن را بخوبی بنگار، و قلم را بر گوش چپ خود قرار بده.<sup>۱۲</sup>

مشیر

نگاهی به جمع آوری قرآن و بخش های مربوط به آن

۲- مردی از قریش پیش از اسلام آوردن عمر بن خطاب گفت: خواهر تو از دین بیرون شد (و به دین محمد (ص) پیوست) عمر به خانه خواهرش رفت و به صورت خواهرش سیلی سختی زد، به طوری که چهره او را مجروح ساخت. پس از چند لحظه که خشمش فرو نشست نگاهش به صحیفه ای در گوشه خانه افتاد و روی آن نوشته بود: «بسم الله الرحمن الرحيم. سبح لله ما فی السموات وما فی الارض وهو العزيز الحکیم...» و بر صحیفه دیگر خواند: «بسم الله طه، ما انزلنا علیک القرآن لشقی...»<sup>۱۳</sup>

#### ۴- آیا قرآن در زمان پیامبر (ص) جمع آوری شد؟

پس از اثبات نگارش و کتابت قرآن در حیات پیامبر (ص) قهرا! این سوال اساسی مطرح می شود که: در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) علاوه بر نگارش، قرآن جمع و تدوین نیز شد؟ یا نه، برای دریافت پاسخ این مسئله بهتر است واژه «جمع» بررسی و بعد پاسخ ارائه شود. جمع قرآن دارای دو معنا است، که به هر دو معنی در قرآن و روایات اشاره شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «ان علينا جمعه و قرانه»<sup>۱۴</sup>

معانی جمع:

الف- حفظ کردن، یکی از معانی جمع، به خاطر سپاری است، از این رو در صدر اسلام به حفاظ قرآن، جماع القرآن اطلاق می کردند.<sup>۱۵</sup>

ب- تدوین و نگارش: به معنای دیگر جمع، تدوین و نگاشتن است که امکان دارد جمع بدین معنا به چند تصویر، صورت پذیرفته باشد:<sup>۱۶</sup>

۱- تمام قرآن نگارش یافته، ولی آیات و سوره های آن نامرتب و متفرق باشد.

۲- قرآن به گونه ای نوشته شده باشد که تنها آیات آن در سوره ها مرتب ولی سوره ها در صحیفه های جداگانه ای تحریر شده باشد.

۳- قرآن با حفظ ترتیب آیات و سوره ها، مجموعاً در یک جا مدون شده و سوره ها نیز مانند آیات یکی پس از دیگری تنظیم گردیده شده باشد.

حال جمع قرآن بمعنی حفظ و بخاطر سپاری آن - که معروف به جمع اول است در زمان پیامبر (ص) بطور قطع صورت گرفته است و عده ای از صحابیان، بنام «حفاظ، قراء یا جماع» از ابتدا تا انتها قرآن را با دقت تمام بیاد سپردند که در راس آنها شخص رسول اکرم (ص) قرار داشته است.<sup>۱۷</sup> چنانچه که خداوند متعال می فرماید: «ان علينا جمعه و قرانه»<sup>۱۸</sup> و به پیامبرش (ص) دستور می

نسخه

نگاهی به جمع آوری قرآن و بخش های مربوط به آن

دهد که: در بخاطر سپردن الفاظ آیات، شتاب مکن و زبان مجتبان که ما حفظ آن را در دل و سینه ات تضمین می کنیم، این آیه و آیات دیگر بیانگر آن است که، رسول خدا(ص) به توفیق الهی، جامع یعنی حافظ قرآن کریم بوده است.

لذا تدبر و فهم عمیق تک تک واژگان قرآن، عدم فراموشی، سمع و طاعت، تبلیغ و تبیین از مصادیق حفظی است که خداوند در حق پیامبرش(ص) عنایت فرموده است.

همانطور که اشاره شد برخی از یاران و صحابیان پیامبر(ص) نیز جامع و حافظ قرآن کریم بوده اند و پیامبر(ص) قرآن را به اصحاب خویش طبق این معنی آموخته بوده است چنانکه آیات: ( ۲) سوره جمعه، ۹ و ۱۰۶ اسری، دخان، ۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰ قمر، ۹۷ مریم، ۴۵ ق، ۱۷۶ احزاب و ۵۷ یونس) بیانگر این واقعیت است.

از باب نمونه از حافظان و قراء مشهور عصر پیامبر(ص) می توان به:

۱- از مهاجرین: خلفاء راشدین، سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمر بن عاص، عبدالله ابن مسعود، حذیفه بن یمان، سالم مولی ابی حذیفه، ابو هریره، عمر بن عاص، عبدالله بن زبر، عبدالله بن سائب، عایشه، حفصه و ام سلمه.

۲- از انصار: به ابی بن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت، ابو الدرداء، انس بن مالک، ابو زید قیس بن السکن و مجمع بن جادیه اشاره کرد.

اما جمع قرآن بمعنی نگارش آن به صورت اول و دوم نیز در زمان پیامبر(ص) به نتیجه رسید و ابهامی ندارد، ولی آنچه که اذهان دانشوران علوم قرآنی را متوجه خودش ساخت و معرکه جدال آراء آنان قرار گرفته است، جمع قرآن به معنی و تدوین به صورت سوم است که آیا در عهد رسالت، قرآن به گونه ای که سور آن مثل آیاتش، تنظیم و تدوین شده باشد. صورت پذیرفته است؟ یا نه، آیا چنین امری به نتیجه رسید یا نه؟ پاسخ قطعی به چنین مسئله ای با توجه به تضاد روایات و استدلال مخالفان و مخالفان جمع قرآن در عصر نبوی و عدم جهت گیری واحد این استدلالها، بسی سخت و دشوار می باشد. لذا در این جا استدلال موافقان و مخالفان ارائه می گردد و داوری صحت و استدلال هر یکی از طرفین به خواننده محترم واگذار می شود.

## ۵ - استدلال موافقان جمع و تدوین قرآن در عصر نبوی:

کسانی که موافق جمع قرآن در عهد رسالت هستند به روایات ذیل استدلال کرده اند:

۵-۱- قال زید بن ثابت: « کنا عند رسول الله نولف القرآن من الرقاع »<sup>۱۹</sup>

زید بن ثابت می گوید: (ما در نزد رسول خدا بودیم و قرآن را از رقعها تدوین می کردیم.)

۵-۲- از ابن عباس روایت شده که گفت: «کان رسول الله اذا نزلت علیهم سورہ دعا بعض من یکتب: فقال: ضعوا هذه السورہ فی الموضع الذی ینذرفہ کذا وکذا.»<sup>۲۰</sup> هرگاه سوره ای بر رسول خدا (ص) نازل می شد، رسول خدا (ص) بعضی کتاب وحی را فرا می خواند و به آنان می فرمود: این سوره را در جایی که چنین و چنان هست قرار بدهید.

۵-۳- زید بن ثابت می گوید: «بینما نحن حول رسول الله نولف القرآن من الرقاع.»<sup>۲۱</sup>

در آن اثنا، پیامبر رسول خدا (ص) بودیم و قرآن را از رقعہ گردآوری می نمودیم.

۵-۴- علی بن ابراهیم قمی با اسناد خودش از امام صادق (ع) روایت نموده که حضرت فرمود: پیامبر اکرم (ص) به علی (ع) فرمود: یا علی قرآن در صحیفه ها، برگ های خرما و کاغذها پراکنده و پخش شده است او را برگیر و تدوین کن، او را ضایع نکنید چنانچه یهود، تورات را ضایع و حیف کردند. پس علی (ع) اقدام نمود و او را در پیراهن زرد گرد آورد و در منزلش به پایان برد و فرمود: ردا را برنگیرم تا قرآن را نمایم.

از این روایات، چنین برداشت می شود که: کاتبان وحی علاوه بر نگارش قرآن به جمع و تدوین آن نیز اشتغال داشته اند چون واژه تالیف آنها تنها به معنی نگارش نیست بلکه شامل تدوین و تنظیم می شود.

مرحوم سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ هـ) علم الهدی که یکی از موافقان جمع می باشد، اعتقاد دارد که همزمان با حیات رسول خدا (ص) قرآن به همین ترتیب که هم اکنون در اختیار ماست، تدوین و مرتب گردید، شواهد هم آن است که، قرآن را در زمان حضرتش (ص) تدریس می کردند و به مردم آموزش می دادند. حتی عده ای از صحابه قرآن را حفظ کردند و گروهی امثال عبد الله بن مسعود و ابی بن کعب قرآن را از آغاز تا پایان چند بار نزد پیامبر (ص) قرائت می کردند. این شواهد بیانگر آن است که قرآن بدون هیچ گونه اضطراب و پریشانی در عصر پیامبر (ص) کاملاً مرتب و مدون شد.<sup>۲۲</sup>

مرحوم خوینی (ره) معتقد است که قرآن در ایام زندگانی پیامبر (ص) جمع آوری شد و این مطلبی است که: مطالعه احوال پیامبر (ص) و صحابه او ما را به آن رهنمود می سازد. چه این که بسیار بعید به نظر می رسد که پیامبر (ص) به این مسئله مهم اقدام نکرده و این امر را به کسی یا کسانی دیگر واگذار کرده باشد.<sup>۲۳</sup>

شعبه

نگاهی به جمع آوری قرآن و بخش های مربوط به آن

## ۶- استدلال مخالفین تدوین قرآن در عصر نبوی:

در مقابل موافقین جمع آوری قرآن در عصر نبوی، مخالفین جمع نیز برای اثبات نظریه شان به روایات دیگری از زید بن ثابت و دلایل دیگری استدلال کرده اند و نتیجه گرفتند که قرآن در عصر خلفاء-تالیف و گردآوری شده است:

۶-۱- دیر عاقولی در فوایدش از ابراهیم بن بشار از سفیان بن عیینه، از زهری، از عبید، از زید بن ثابت روایت کرده است که گفت: «قبض النبی ولم یکن القرآن جمع فی شئ»<sup>۲۴</sup>: پیامبر (ص) وفات یافت و قرآن در چیزی جمع نشده بود.

تمام مفسران در شرح این حدیث گفته اند که: منظور زید بن ثابت از جمع قرآن، جمع در مصحف واحد بوده است.

۶-۲- فراز دیگری از گفتار زید بن ثابت است که وقتی ابوبکر با اصرار عمر از زید خواست که قرآن را تدوین نماید، زید گفت: (چگونه من به کاری اقدام کنم که خود رسول خدا(ص) قبل از رحلت به آن دست نیافته.)<sup>۲۵</sup>

۶-۳- قرآن تدریجا نازل می شد و پیامبر(ص) هر زمان منتظر نزول آیه، نسخ آیه قبلی و جایگزینی آیه بعدی بود.

۶-۴- در عصر پیامبر ضرورت تدوین قرآن، آنطور که شرایط در زمان ابوبکر و عثمان به جهت شهید شدن حفاظ و پدید آمدن قرائت های مختلف، احساس نمی شد وجود نداشت.

جریر طبری که یکی از مخالفان تدوین قرآن در عصر نبوی تصریح می کند که، چنانچه در ترجمه تفسیر وی آمده است: (و این قرآن، جمله متفرق بوده بدست خلق اندر، و هیچکس را بیشتر از ابی بن کعب نبود، ار هر آنکه او پیوسته در صحبت و خدمت پیغامبر بودی. هر که وحی آمدی او بنوشتی اگر به شب بودی و گر به روز بودی او بنوشتی و یاران دیگر پیوسته با او نبودندی. چون پیغامبر از این جهان بیرون شد بروزگار عمر. و ابوبکر خلق یکدیگر را کافر همی خواندند از هر این قرآن و هر یک بر دیگر را همی می گفتند که این بدست توست نه قرآن است.)<sup>۲۶</sup>

محدث نوری نیز جزء کسانی است که جمع و ترتیب قرآن را به صورتی که هم اکنون وجود دارد نمی پذیرد وی فرمود: (...از اخبار موجود نمی توان نتیجه گرفت که تمام قرآن به صورت نوشته ای در نزد کسی موجود بوده تا چه رسد به آنکه قائل شویم که قرآن با ترتیب موجود در زمان پیامبر(ص) مرتب و مدون گردید.)<sup>۲۷</sup>

با توجه به این استدلال ها نمی توان پذیرفت که در عهد پیامبر (ص) سوره ها و آیات ترتیبی داشته است، زیرا صرف حافظ یا جامع قرآن بودن در آن عهد یا تدریس قرآن، دلالت ندارد که



سوره ها مرتب و مدون بوده است. بنابراین لازمه حفظ قرآن، ترتیب فعلی آن نیست و از طرفی هم اهمیت مسالیه ترتیب سوره ها چندان روشن نیست، اما آنچه که اهمیتش روشن است تکمیل سوره ها و استقلال هر سوره از سوره های دیگر است تا آیه های هر سوره با آیات سوره های دیگر اشتباه و خلط نشود و این مهم در عهد پیامبر(ص) به سرانجام رسید.

و اما ترتیب سوره ها آنطور که اشاره شد، تا پایان نزول قرآن که به پایان یافتن حیات پیامبر(ص) وابسته بود امکان نداشت لذا طبیعی است که ترتیب و تدوین سوره های قرآن پس از یاس از نزول میسر خواند بود. از این رو بیشتر محققان و تاریخ نویسان بر آنند که: جمع و ترتیب سوره ها پس از رحلت رسول مکرم(ص) اسلام برای نخستین بار بدست امیر مومنان عنی بن ابی طالب (ع) و سپس بدست سایر صحابیان بزرگوار صورت گرفته است.

علی (ع) نخستین کسی بود که طبق وصیت رسول اکرم(ص) و به تبعیت از وصیت آن حضرت (ص)، به جمع و تدوین قرآن پس از وفات آن بزرگوار، دست یازید. <sup>۲۸</sup> این ندیم مدتی را که حضرت (ع) پس از رحلت پیامبر (ص) صرف جمع و تدوین نمود، مشخص ساخته و در این باره نوشته است: (آن حضرت (ع) سوگند یاد کرد که ردا بر دوش نگیرد مگر آن که قرآن را جمع آوری نماید سه روز از خانه بیرون نیامد تا اینکه قرآن را جمع آوری کرد و آن نخستین مصحفی بود که مجموع قرآن در آن فراهم آمد. <sup>۲۹</sup>)

وی در جای دیگری از کتابش اضافه می کند: «فهو اول مصحف جمع فيه القرآن من قبله و كان المصحف عند اهل جعفر...» او سپس می گوید: «و رایت انا فی زماننا عند ابی علی حمزه الحسنی مصحفاً قد سقط منه اوراق بخط علی بن ابی طالب (ع) یرث لادیه بنو حسن علی مر الزمان» مصحفی را دیدم نزد ابو علی حمزه که با خط علی بود و چند ورق از آن افتاده بود و فرزندان حسن بن علی به مرور زمان آن را به میراث گرفته بودند. <sup>۳۰</sup>

محمد بن سیرین از عکرمه نقل می کند: «لما کما بعد بیعتی ابی بکر فقد علی بن ابی طالب (ع) فی بیته فقتل ابی بکر قد کره بیعتک فارس الیه فقال: اکرهت بیتی؟ قال: لا والله، قال: ما افقدک عنی؟ قال (ع): رایت کتاب الله یزا و فیه محدثت نفسی الا البس ردائی الا لصلوات حتی الجمعه، قال له ابوبکر: فانک نعم ما رایت قال محمد بن سیرین: فقلت لعکرمه: الفوه کما انزل الا اول فالاول، قال: لو اجتمعت الانس والجن علی ان یولفوه ذلک التالیف ما استطاعوا...»

شیر

نگاهی به جمع آوری قرآن و بخش های مربوط به آن

عکرمه گفت: بعد از این که مردم ابوبکر بیعت کرد و ابوبکر زمام امور مسلمین را بدست گرفت علی بن ابی طالب (ع) در خانه اش نشست. به ابوبکر گفته شد: علی (ع) از بیعت با تو کراهت دارد ابوبکر کسی را فرستاد ( و حضرتش (ع) را آورد ) ابوبکر گفت: آیا تو از بیعت با من اکراه داری؟ حضرت (ع) فرمود: بخدا قسم اکراه ندارم. ابوبکر گفت: چرا خانه نشین شده ای ( یا چه چیز تو را خانه نشین و از ما دور ساخته است؟) حضرت (ع) فرمود: دیدم که به کتاب خدا (قرآن) اضافه می شود با خود عهد کردم تا قرآن را گرد نیاورم ردا جزء برای نماز در بر نگیرم. پس محمد بن سیرین می گوید: از عکرمه پرسیدم: آیا قرآن را همانطوریکه نازل شده بود ( یعنی به ترتیب نزول ) گرد آورد ؟ یا نه-عکرمه گفت: اگر جن و انس گرد آیند و بخواهند مانند علی (ع) قرآن را گرد آورند نخواهند توانست.<sup>۳۱</sup> این سیرین اضافه می کند: هر چه بدنبال آن گشتم دست نیافتم.<sup>۳۲</sup>

ابن جزئی، کلبی می گوید: « كان القرآن على عهد رسول الله... مفرقاً في الصحف وفي صدور الرجال فلما توفي جمعه علي بن ابی طالب (ع) علی ترتیب نزوله، ولو وجد مصحفه لكان فيه كبير ولكن لم يوجد...»<sup>۳۳</sup> قرآن در زمان رسول خدا (ص) در صحیفه و سینه های مردان پراکنده بود، چون رسول خدا (ص) وفات یافت علی بن ابی طالب(ع) به ترتیب نزول آن را فراهم ساخت. بعد ابن جزئی اضافه می کند: اگر مصحف علی (ع) یافت می شد، هر آینه در آن علم فراوان یافت می گردید.

### ۷- ویژگی های مصحف امیر المومنین علی(ع):

قبل از ذکر اوصاف مصحف امیرمومنان علی (ع) این نکته قابل یادآوری است که: ترتیب قرآن موجود - تقریباً - از لحاظ زمان بر خلاف ترتیب نزول آن می باشد. علامه مجلسی (ره) در کتاب بحارالانوار تحت عنوان «تالیف القرآن وانه علی غیر ما انزل» مواردی از آیات قرآن موجود را ذکر می کند که از نظر ترتیب بر خلاف ترتیب نزول آن می باشد از باب مثال می توان به دو مورد اشاره کرد:

۷-۱- راجع به عده ی وفات که در زمان جاهلیت به مدت یکسال بوده است، خداوند متعال

ابتدا این مدت را در ضمن آیه کریمه: « والذین يتوفون منكم ويذرون ازواجاً وصیه لازواجهم متاعاً

الی الحول غیر اخراج فان خرجن فلا جناح علیکم فی ما فعلن فی انفسهن من معروف والله عزیز

الحکیم»<sup>۳۴</sup>

آنان که از شما می میرند و زنانی بجای می گزارند، وصیتی است برای زنان آنها بهرحال تا یکسال بدون بیرون راندن، اگر بیرون شدند در آنچه آنان درباره خود - طبق متعارف - انجام دادند باکی بر شما نیست و خداوند عزیز و حکیم است.

و سپس همین مدت را با آیه شریفه: «والذین یتوفون منکم و یذرون ازواجاً یتربصن بانفسهن اربعه

الشهر و عشراً فاذا بلغن اجلهن فلا جناح علیکم فیما فلعن فی انفسهن بامعروف و الله عزیز حکیم»<sup>۳۵</sup>

آنان که از شما می میرند و زنانی از خود به جای می گذارند باید خویشتن را چهار ماه و ده روز در انتظار قرار دهند و تا وقتی به سرآمد خود رسیدند، بر شما باکی نیست راجع به آنچه درباره خویشتن بر طبق متعارف عمل کنند، و خداوند به آنچه عمل می کنید داناست (نسخ کرد و عده ی وفات را چهار ماه و ده روز قرار داد.

بنابراین در ترتیب قرآن آیه منسوخ با فاصله شش آیه بعد از آیه ناسخ قرار دارد و این مطلب

می نمایاند که ترتیب قرآن موجود بر خلاف ترتیب نزول آن می باشد.

۷-۲- آیه شریفه: «یا ایها الذین آمنوا لا تخذوا عدوی و عدوکم اولیاء تلقون الیهم بالموده و قد کفروا

بما جاءکم من الحق یخرجون الرسول و ایاکم ان تومنوا با الله ربکم ان کنتم خرجتم جهاداً فی سبیلی و

ابتغاء مرضاتی تسرون الیهم بالموده و انا اعلم بما اخفیتم و ما اعلنتم و من یفعله منکم ضل سوا

السبیل»<sup>۳۶</sup> به اتفاق نظر تمام مفسران درباره حاطب ابن ابی بلتغه که با کفار مکه روابط پنهانی

داشت و توسط زنی می خواست حرکت سپاه اسلام بطرف مکه را به اهل مکه گزارش دهد و

خداوند پیامبرش (ص) را از این امر آگاه ساخت، نازل شده است. در حالی که واقعه حدیبیه قبل

از فتح مکه اتفاق افتاده است.<sup>۳۷</sup> این قضیه هم نشان می دهد که ترتیب قرآن کنونی نزول

قرآن تفاوت دارد و پس از ذکر این نکته می توان ویژگی های مصحف امیر المومنین (ع) را که

در سایر مصاحف صحابه وجود نداشت - چنین برشمرد:

اولاً: ترتیب دقیق آیات و سوره ها بر طبق ترتیب نزول آن بوده است، یعنی مکی قبل از مدنی

آمده و مراحل تاریخی نزول آیات معلوم بوده و بدین لحاظ جریان تشریح و احکام مخصوصاً مساله

ناسخ و منسوخ در قرآن به سهولت بدست می آمده است و فرمایش ابن سیرین که گفت: (علی (ع)

در مصحف خودش ناسخ و منسوخ را نوشته بود من در تکاپوی آن برآمدم و در این باره به مدینه

نامه نوشتم ولی چیزی دستگیرم نشد.»<sup>۳۸</sup> نیز این ویژگی را تاکید می کند.

ثانیاً: ترتیب آیات و دوره ها طوری بوده است که آیه یا کلمه ی از آن نه جا مانده و نه به آن

اضافه شده بوده است.

ثالثاً: قرائت آیات - حرف به حرف - بر طبق اصیل ترین قرائت یعنی قرائت رسول اکرم (ص) تنظیم و ثبت شده بود. لذا هیچ راهی برای ورود و اختلاف قرائت در آن وجود نداشته و راه برای فهم محتوا و بدست آوردن تفسیر صحیح آیات در آن فراهم بوده است.

- رابعاً: مصحف حضرت (ع) مشتمل بر تاویل و تنزیل بوده است یعنی دارای برداشت های کلی از موارد و خاص آیات و نیز دارای توضیحات چون بیان مناسبات نزول، مکان نزول، زمان نزول، شان نزول بوده است. برای تأیید این ویژگی و سایر ویژگی ها و اوصاف می توان به فرمایش حضرتش (ع) اشاره کرد که فرمود: «ولقد جتم بالكتاب مشتملاً على التنزيل والتاویل»<sup>۳۹</sup> (بر آنان کتابی آوردم - و فراهم کردم - که دربردارنده نزول و فهم قرآن است.) و نیز فرمود: «ما نزل آیه علی رسول الله الا اقر اینها و املاها علی فاکتبهما بخطی و علمنی تاویلها و تفسیرها و ناسخها و منسوخها و محکمها و متشابها...»<sup>۴۰</sup> (آیه ای بر پیامبر (ص) نازل نشد مگر آنکه بر من خوانده و املاء فرمود و من آن را با خط خود نوشتم و نیز تفسیر و تاویل، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه به هر آیه را به من آموخت...)<sup>۴۱</sup>

بنابراین اگر پس از رحلت پیامبر (ص) از این مصحف استفاده می شد و مورد رد و انکار قرار نمی گرفت امروزه جامعه اسلامی دچار این همه مشکلات نبود. بهر حال در ارتباط با اینکه ترتیب سوره ها و آیات در مصحف حضرت علی (ع) چگونه بوده است؟ یعقوبی در تاریخ خودش می نویسد: چنین روایت نموده اند که: حضرت علی (ع) پس از رحلت پیامبر (ص) قرآن را جمع آوری کرد و آن را بر شتری نهاد و فرمود: این قرآنی است که فراهم نموده ام. و آن را بر هفت جزء قرار داد که عبارتند از:

۱- جزء یقره شامل: «البقره، یوسف، عنکبوت، روم، لقمان، حم السجده، الذاریات، هل اتی علی الانسان، الم تنزیل، سجده، نازعات، اذا الشمس کورت، اذا السماء انفطرت، اذا السماء انشقت، سبح اسم ربک الا علی، لم یکن».

۲- جزء آل عمران شامل: «آل عمران، هود، حج، حجر، دخان، الرحمن، الباقه، عبس و تولى الشمس و ضحیها، انا انزلنا، ویل لكل همزه، الم ترکیف، لایلاف قریش».

۳- جزء نساء شامل: «نساء، نحل، مومنون، یس، حمسوق، واقعه، تبارک، یا ایها المدثر، لرایت، تبت، قل هو الله احد، والعصر، القارعه، والسماء ذات البروج، والتین، طس، والنمل».

۴- جزء مائده شامل دوره های: «المائده، یونس، مریم، طسم، شعراء، زخرف، ق، اقتربت الساعه، ممتحنه، والسماء والطارق، لا اقسیم بهذا البلد، الم نشرح، والعاذیات».

- ۵- جزء انعام شامل دوره های: «انعام، سبحان، اقترب، فرقان، موسی، فرعون، حم المومن، مجادله، حشر، جمعه، منافقون، ن والقلم، انا ارسلناه نوحا، مراسلات، الضحی، والهیکم.»
- ۶- جزء اعراف شامل: «اعراف، ابراهیم، کهف، نور، ص، زمر، شریعت، الذین کفروا، حدید، مزمل، لا اقسم بیوم القیامه، عم یتسالون، غایشه، والفجر، والیل اذا ینشی، واذا جاء نصر الله.»
- ۷- جزء انفال شامل: «انفال، طه، ملائکه، احقاف، فتح، طور، نجم، صف، تغابن، طلاق، مطففین» و معوذتین.<sup>۴۲</sup> ولی این اجزاء بدین صورت، ترتیب نزول سوره های قرآن را نشان نمی دهد لذا این اجزاء نمی تواند نمایانگر ترتیب دوره های قرآن را در مصحف حضرت علی (ع) باشد چون طبق گواهی اکثر محققان، مصحف حضرت (ع)، با حفظ ترتیب نزول و موارد آن تدوین شده بوده است.

### ۷- سرانجام مصحف امیر المومنین (ع):

در اینکه این مصحف گرانسنگ چه شد؟ طبق نظر عده ای از محققان شیعی این مصحف به عنوان سپرده امامت به فرزند امیر المومنین (ع)، امام حسن (ع) رسید، و سپس بتدریج به همان عنوان - میراث امامت - از امامی به امام دیگر منتقل شد تا سرانجام در دست دوازدهمین هادی و آخرین امام یعنی صاحب العصر (عج) قرار گرفت که پس از قیام خود آن را به مردم ارائه خواهند کرد. از جابر روایت شده که امام باقر (ع) فرمودند: ( هنگامی که قائم آل محمد (عج) قیام کند خیمه هایی برای تعلیم قرآن بر طبق آنچه خداوند نازل فرمود برپا خواهند ساخت. در آن روز برای کسانی که قرآن را به صورت فعلی حفظ می باشند خیلی مشکل خواهد بود، زیرا ترتیب آن قرآن، با قرآن فعلی تفاوت دارد.)<sup>۴۳</sup>

کلینی در کتاب خودش روایتی را از امام صادق (ع) نقل نموده که حضرت فرمود: ( هنگامی که قائم آل محمد (عج) قیام کند، کتاب خدا را در حد واقعی آن برای مردم خواهند خواند، و مصحفی را که علی (ع) نوشته بود ارائه می کند.) امام صادق (ع) سپس فرمود: ( علی (ع) پس از نگارش و جمع قرآن خطاب به مردم گفت: این کتاب خدای بزرگ است و عینا همانگونه است که از طرف خداوند بر محمد (ص) نازل گردید و من او را در میان دو لوح قرار دادم. مردم گفتند: نزد ما مصحفی است که قرآن در آن جمع آوری شده است و ما را بدان نیازی نیست، علی (ع) فرمود: در این صورت از امروز دیگر آن را نخواهید دید ولی بر من لازم بود پس از فراهم آوردن مصحف، شما را آگاه سازم تا آن را بخوانید.)<sup>۴۴</sup>

طبق این روایت و روایات دیگر، رویت مصحف حضرت علی (ع) بعد از آن زمان برای مردم عادی ممکن نیست بلکه آن امانتی غیر قابل انتقال می باشد.<sup>۴۵</sup> امروزه در اقطار و اکناف جهان،

مشیر

نگاهی به جمع آوری قرآن و بخش های مربوط به آن

مصاحف متعددی منسوب به حضرت (ع) است و اینکه صحت و عدم صحت استناد چگونه است، ما کاری نداریم چه این که آن بحث مستقل و جداگانه ای را می طلبد.

## ۸- ویژگی های مصحف ابن مسعود:

پس از رحلت پیامبر(ص)، مصحفی را که حضرت علی (ع) بنا به وصیت پیامبر(ص) فراهم کرده بود به دلایلی مورد پذیرش خلیفه و هم دستانش قرار نگرفت لذا به غیر از حضرت علی (ع) اصحاب دیگری نیز به گردآوری و تدوین مصحف اقدام نمودند که از آن جمله می توان به دو مصحف مشهورتر از دو صحابی بزرگوار - عبدالله ابن مسعود، ابی بن کعب - اشاره کرد و ویژگی های هریک را به طور خلاصه چنین بر شمرد:

۸-۱- ترتیب سوره ها در مصحف ابن مسعود به ترتیبی: سبع طوال، میثن، مثنی، حوامیم، ممتحنات و مفصلات بوده است.

۸-۲- این مصحف مشتمل بر ۱۱۱ سوره بوده و سوره های حمد و معوذتین - قل اعوذ برب الفلق، قل اعوذ برب الناس - را نداشته چون ابن مسعود معتقد بوده که ثبت سوره ها در مصحف برای حفظ از گم شدن و پراکندگی است و سوره حمد به جهت تکرار قرائت آن در نماز ها هرگز گم نمی شود.<sup>۴۶</sup> و یا اینکه ایشان فاتحه را عدل قرآن می دانسته و نباید به عنوان جزء در قرآن آورده شود، چنانکه خداوند فرمود: « ولقد آتیناک سبعاً من المثنی و القرآن العظیم »<sup>۴۷</sup> اما اینکه ایشان در مصحف خویش دو سوره معوذتین - فلق، ناس - را نیاورده بودند بخاطر این بوده است که ایشان عقیده داشته که از این دو سوره برای دفع سحر و دعای چشم زخم استفاده می شود چنانکه پیامبر(ص) برای سلامتی حسینین از چشم زخم این دو سوره را می خوانده است.<sup>۴۸</sup>

۸-۳- صاحب کتاب الاقفاغ روایتی را نقل کرده که در آن آمده است که: ابن مسعود در مصحف خودش برای سوره براءت (توبه) بسم الله الرحمن الرحیم ثبت کرده بوده است.<sup>۴۹</sup> وی سپس نوشته: (نباید آن را معتبر دانست).<sup>۵۰</sup>

۸-۴- قرائت ابن مسعود در مصحفش با نص مشهور در بسیار از آیات و کلمات قرآنی مخالف بوده است چون وی بر این باور بوده که کلمات قرآن را می توان به مرادف آن تبدیل کرد و این است که ایشان قائل به توسعه در قرائت الفاظ بوده است.<sup>۵۱</sup>

۸-۵- ابن مسعود برای روشن شدن مراد آیه برخی کلمات را به کلمات دیگر تبدیل کرده بوده است مثلاً: «السارق والسارقة فاقطعوا ايديهما»<sup>۵۳</sup> را به «فاقطعوا ايمنها» مبدل ساخته بود زیرا معلوم نبوده که مراد آیه از ایدی کدام دست است.

۸-۶- ایشان، الفاظی را در ضمن جمله های قرآنی به منظور شرع و تفسیر افزوده بوده است مثلاً ایشان کلمه «فاختلفون» را در آیه «كان الناس امة واحدة [فاختلفوا] فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا...»<sup>۵۳</sup>

برای روشن شدن این قضیه که بعثت انبیاء پس از اختلاف مردم بوده اند اضافه کرده است.<sup>۵۴</sup>

## ۹- ویژگی های مصحف ابي بن كعب:

مصحفی را که ابي بن كعب همزمان با ساير صحابه فراهم آورده بوده و از مصحف-ایشان در شهر شام استفاده می شده دارای اوصاف و مشخصات ذیل بوده است:

۹-۱- ترتیب سوره ها در مصحف ابي بن كعب نزدیک به ترتیب سوره ها در مصحف ابن مسعود بوده جز آنکه ایشان سوره انفال را قبل از سوره براءت و بعد از سوره یونس و سوره های شعراء و مریم و حج را بر سوره یوسف ذکر نموده بوده است.

۹-۲- مصحف ایشان دو سوره به نام های خلق و حقد که دعای قنوت هست، پیش از ساير مصاحف داشته است.<sup>۵۵</sup>

۹-۳- حوامیم این مصحف بجای ۷ سوره، ۸ سوره داشته است چون سوره زمر با «حم» شروع می شده است.<sup>۵۶</sup>

۹-۴- ایشان به گمان این که سوره فیل و سوره قریش یک سوره هستند میان این دو سوره «بسم الله الرحمن الرحيم» را ذکر کرده و لذا مصحف وی دارای ۱۱۵ سوره بوده است.<sup>۵۷</sup>

۹-۵- قرائت ایشان در این مصحف مخالف با مشهور بوده و بجای برخی از کلمات از مرادف آن استفاده می کرده است مثلاً ایشان به جای «قالوا یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا»<sup>۵۸</sup> بصورت مترادف آن می خوانده است. البته ناگفته نماند که زید بن ثابت نیز مصحفی را بنا به اصرار خلیفه (ابوبکر) تدوین کرده بود و شهرت داشت که در این نوشتار جداگانه به آن پرداخته می شود.

تفسیر

نگاهی به جمع آوری قرآن و بخش های مربوط به آن

غیر از این مصاحف مشهور، مصاحف دیگری که شهرت نیافته اند نیز توسط برخی از صحابیان تدوین شده بود که به طور اختصار صرفاً به اسم و مدون آن ها جهت بررسی اختلاف قرائات و انگیزه عثمان از وحدت مصاحف، اشاره می شود:

- ۱- مصحف عایشه
- ۲- مصحف معاذ بن جبیل
- ۳- مصحف ابوالدرداء
- ۴- مصحف عثمان بن عفان
- ۵- مصحف انیس ابن مالک
- ۶- مصحف ابو موسی اشعری
- ۷- مصحف مقداد ابن اسود و...

نکته ای که اینجا یادآوری می شود این است که: سرانجام مصاحف ابن مسعود و ابی ابن کعب و این مصاحف غیر معروف در این جزوه در بحث وحدت مصاحف مورد بررسی قرار می گیرد.

## ۱۰- جمع و نگارش قرآن در خلافت ابی بکر (منابع و روش زید بن ثابت در تدوین قرآن)

پس از رحلت پیامبر(ص) و قرار گرفتن امور مسلمین بدست ابی بکر بن ابی قحافه، کذاب در یمامه ادعای پیامبر(ص) می کرد. ابوبکر سپاهی فراهم آورد که به نبرد با سلیمه گسیل داشت این نبرد اگر چه به نفع مسلمانان خاتمه یافت ولی به قیمت شهادت ۷۰ یا ۴۰۰ نفر قاری و حافظ قرآن تمام گردید. از آنجا که مصحف امیر المومنان (ع) مورد پذیرش قرار نگرفت و از طرفی چون قرآن کریم مرجع تشریح آیین اسلام و زیر بنای ساخت جامعه اسلامی است، ضرورت اقتضاء می کرد که خلفای وقت با استفاده از دیگر کاتبان وحی همچون زید بن ثابت اقدام به تدوین قرآن نمایند تا بتوانند خلاء از دست رفتن حافظان قرآن در جنگ یمامه را جبران نمایند. بدین لحاظ، ابی بکر با اصرار عمر بن خطاب از زید بن ثابت خواست که قرآن را تدوین و جمع نمایند. لذا در صحیح خودش ماجرا را چنین شرح داده است: « قال زید بن ثابت: ارسل الی ابوبکر مَقْتَل اهل الیمامه فاذا عمر بن خطاب عنده قال ابو بکر: ان عمر اتانی فقال ان القتل قد يستحرم یوم الیمامه بقراء القرآن وانی اخشی ان يستحرم القتل بالقراء بالموطن فیذهب کثیر من القرآن وانی اری ان تامر مجمع القرآن فقلت احمر: کیف نفعل شیتا لم یفعله رسول الله ؟ قال عمر: هذا والله خیر فلم یزل یراجعنی حتی شرع الله صدري لذلك ورايت فی



ذلك الذى ردى عمر قال زيد: قال ابوبكر: انك رجل شاب عاقل لا تنهك وقد كنت تكتب الوحى رسول الله فتبع القرآن فاجمعه فوالله لو كلفونى بقتل حبل من الجبال ما كان اشقل على فى امر فى من جمع القرآن قلت: كيف تفعلون شيئا لم يفعله رسول الله؟ قال: «هو الله خير» فلم يزل ابوبكر يرجعنى حتى شرع الله صدرى الذى شرع له صدر ابى بكر وعمر فتتبع القرآن فاجمعه من العب واللخاف وصدور الرجال حتى وجدت آخر سورة التوبه مع الى خزيمه الانصارى لم اجدها مع احد غيره: «لقد جائكم رسول الله من انفسكم عزيز عليه عتق حريص عليكم بالمومنين»<sup>٥٩</sup>

تفسیر

«حتى خاتمه برائه فكانت الصحف عند ابى بكر حتى توفاه الله ثم عند عمر حياته ثم عند حفصه بنت عمر»<sup>٦٠</sup> زيد بن ثابت مى گوید: پس از رخ داد نبرد، یمامه، ابوبکر کسی را نزد من فرستاد و مرا احضار کردند من بر ابى بكر وارد شدم، در حالى كه عمر بن خطاب در مجلس حضور داشت ابى بكر گفت: عمر نزد من آمد و به من گزارش داد كه: جنگ یمامه به قيمت شهادت عنده اى از قراء و حافظان قرآن و ديگر مسلمين تمام شد و كشتار سختى بر حافظان قرآن وارد آمد، بيم آن دارم كه جنگهاى فرساینده و شدیدی در مواضع ديگر پديد آيد (و در نتیجه آن بسيارى از قراء ديگر به شهادت رسند) و بخشى مهمى از قرآن از میان برود و عمر گفت: به نظر من مصلحت در آن است كه فوراً به جمع آورى قرآن اقدام شود. زيد مى گوید: من به عمر گفتم چگونه دست اندر كار عملى گرديم كه خود رسول خدا(ص) به آن دست نيافت؟! عمر گفت: سوگند به خدا اين عمل نيكى است. عمر به من مراجعه كرد، تا آنكه خداوند سينه ام را براى اين كار گشود و به من شرح صدرى عنايت فرمود و بالاخره من با مصلحت انديشى عمر هم عقیده شدم و راي او را ستوده و قبول كردم. ابوبكر به من گفت: تو مرد جوان و خردمندی هستى و ما درباره شخصيتى تو هيچ تهمتى روا نمى داريم و تو بودى كه براى رسول خدا (ص) وحى و كلام الهى را بنگاشتى. بدین جهت بايد پى جوى و تتبع از قرآن پردازى و آن را فراهم كنى. اگر به من امر مى كردند كه يكي از كوهها را از جاي بركنم. براى من سنگين تر و فرساینده تر از اين نبود كه مرا به جمع آورى قرآن مامور ساختند.

نگاهی به جمع آورى قرآن و بخش های مربوط به آن

۲۴۵

من باز تکرار کردم كه چگونه كارى را آغاز كنم كه خود رسول خدا (ص) آن را انجام نداد؟! ابوبكر در اين باره اصرار زياد ورزید و پيوسته به من مراجعه كرد تا اينكه به انجام اين كار راضى گشتم و به جست و جوى قرآن بر آمدم و قرآن را از روى نوشته هاى روى شاخه هاى خرما و قطعات سنگ ظريف سفيد و نيز با استمداد و از سينه ها و حافظه هاى مردم فراهم آوردم تا آنگاه كه پايان سوره توبه - برائه - يعنى آيه: «لقد جائكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عتتم...» را نزد

تفسیر  
زکام به همه آورده، قرآن، بیخنده، ماه، و در طرد به آن

ابی خزیمه الانصاری یافتیم در حال که نزد شخص دیگری نیافته بودم ( در سایه تلاش من صحیفه هایی از قرآن فراهم آمد ) تا زمانی که ابو بکر در قید حیات بود در نزد او بود پس از مرگ او صحیفه ها در اختیار عمر قرار گرفت و پس از فوت عمر نزد دخترش حفصه باقی ماند.

در هر صورت آن چه از منابع تاریخی بر می آید این است که: پس از نبرد یمامه و اصرار عمر و ابوبکر، زید بن ثابت مامور تدوین قرآن شد ولی با تشکیل هیئات ۲۵ نفره<sup>۶۱</sup> و به عهده گرفتن ریاست آن، کار خود را در نگارش و تنظیم قرآن آغاز و از منابع زیر بهره برد:

۱-۱۰- اندوخته های شخصی؛ چون زید خود از کاتبان وحی بوده و مایه های زیادی اندوخته بودند از این اندوخته ها در تدوین و نگارش بهره برد.

۱۰-۲- تایید دو شاهد؛ پس از آن که اعلام شد، مردم محفوظات قرآنی را بازگو و یا نوشته های خود را بیاورند؛ آن محفوظات و نوشته ها را در صورتی می پذیرفت که دو گواه آن را تایید نمایند یعنی ایشان صرفاً به محفوظات و مکتوبات شخصی بسنده نکرد بلکه در صورتی اقدام به نوشتن محفوظات و مکتوبات خویش و سایرین می کرد که بوسیله نوشته های اصحاب و گواهی شهود تایید شود. البته منظور از دو شاهد نسخه خطی و شاهد حفظی یعنی شهادت سمع بوسیله دیگران بوده است.

نسخه های موجود در منزل پیامبر(ص)، همزمان با حیات رسول خدا(ص)، کتاب وحی وقتی قرآن را می نوشتند، نسخه ها را به جهت نگاه داری از نابودی و... در خانه پیامبر(ص) می گذاشتند که هیئات از این نسخه ها بهره گرفتند. اما اینکه زید بن ثابت و سایر اعضای گروه آیه ۱۵۸ سوره توبه را از خزیمه بن ثابت الانصاری بدون تایید دو شاهد پذیرفتند بدان جهت بود که شهادت وی به جای دو شهادت در زمان رسول خدا(ص) پذیرفته شد و در همان زمان ملقب به ذوالشهادتین<sup>۶۲</sup> گردید.

روش زید و گروه همراه این بود که: این گروه هر روز در مسجد گرد می آمدند و افرادی که آیه یا سوره ای را در اختیار داشتند به این گروه مراجعه می کردند. این گروه آن طور که اشاره رفت از هیچ کسی هیچ چیزی را به عنوان آیه نمی پذیرفتند، مگر آن که دو شاهد اقامه کنند، که آنچه آورده است جزء قرآن است. لذا عمر بن خطاب عبارت از «الشیخ والشیخه اذا زینا فارجموها الیه...» را که خیال می کرد جزء قرآن است - به هیئات تدوین ارائه کرد و نتوانست دو شاهد ارائه نماید و پذیرفته نشد. گرچه عمر تا آخر عمرش بر صحت آن اصرار داشته و همواره می گفته زود اگر مردم نمی گفتند: عمر چیزی را بر قرآن افزود هر آینه این آیه را در قرآن درج می کردم.<sup>۶۳</sup>

بدین کیفیت، زید آیه ها و سوره های قرآن را جمع آوری کرد و آن را از خطر نابود شدن رهناید، هر سوره که کامل می شدند، در صندوقچه مانندی از چرم به نام ربعة قرار می داد تا آنکه سوره ها یکی پس از دیگری تکمیل شدند ولی هیچگونه نظم و ترتیبی بین سوره ها بوجود نیاورد.<sup>۶۴</sup> این صحیفه ها پس از دیگری تکمیل شد از آن به عمر انتقال یافت و پس از عمر به دخترش حفصه منتقل گشت پس از حفصه و والی شدن مروان بن حکم از جانب معاویه، توسط مردان آن صحیفه نابود شد.<sup>۶۵</sup>

## ۱۱- نامگذاری قرآن به مصحف:

در اینکه چه زمانی قرآن مصحف نامیده شد؟ بین مورخان و محققان اختلاف نظر وجود دارد: از منابع اهل سنت چنین برداشت می شود که: نامگذاری قرآن به مصحف همزمان با خلافت و زمامدار ابوبکر صورت گرفته است. ابن اصفهانی در کتابش می نویسد: (از طریق موسی بن عقبه از ابن شهاب روایت شده که وقتی قرآن را جمع آوری کردند، ابوبکر گفت: برای آن نام و عنوانی جست و جو کنید بعضی از حاضران نام سفر را پیشنهاد کردند، ابوبکر گفت: این نام و عنوان از آن یهود است برخی دیگر نام مصحف را مطرح ساختند و یاد آور شدند که این گونه مجموعه مدونی را در حبشه مصحف می نامند. سرانجام حاضران متفقاً نام مصحف را برای اوراق گرد آمده پذیرفتند.)<sup>۶۶</sup> البته این استفاده با توجه به تضاد روایات جمع و منابع تاریخی دیگر درست به نظر نمی رسند.<sup>۶۷</sup>

## ۱۲- یکسان کردن مصاحف همزمان با خلافت عثمان:

همانطور که گفته شد، پس از رحلت پیامبر(ص) مصاحف متعددی پدید آمد. بزرگان صحابه هر کدام بر حسب دانش و شایستگی خویش به ترتیب آیات و سوره های قرآن اقدام کردند. و هر کسی برای خود مصحف خاصی گرد آورد.

برخی هم که توانایی این کار را نداشتند از دیگران در استتساخ مصحف استمداد می جستند و افراد توانمند پاسخ مثبت می دادند و آیات و سوره ها را در مصحفی گرد می آوردند. از این روی همزمان با خلافت عثمان و گسترش حکومت اسلامی و مسافرت مسلمانان به اقطار عالم جهت آموزش احکام اسلامی تعداد مصحف ها رو به فزونی گذاشت. هر صحابی به حرفی که قرآن را آموخته بود و به دیگران آموزش می دادند. چنانکه شامیهها به قرائت ابی بن کعب، کوفیان به قرائت

نظیر

نگاهی به جمع آوری قرآن و بخش های مربوط به آن

عبدالله ابن مسعود، مصریان به قرائت ابوموسی الشعری و دمشقیها به قرائت مقداد بن اسود قرآن می آموختند و به مصاحف این صحابیان توجه می نمودند.

از طرفی همانگونه که بیان شد طبق بعضی از روایات ابوبکر و عمر دو خلیفه پیشین قرآن را تدوین کردند ولی هرگز آن را در اختیار مردم قرار ندادند. لذا تئوری خود ساخته ای نزول قرآن بر طبق لهجه های عرب - که نظریه « سبقه احواف » موسوم است - باعث شد هرکس هر جور که می خواست قرآن بخواند. هیچ مرجع رسمی واحدی وجود نداشت تا اختلافات را حل نماید. اختلاف مردم و گروهها در امر به مرور تبدیل به مشکل بزرگی برای حکومت شد. اختلافات مردم تا آنجا پیش رفت که آنها یکدیگر را تکفیر می کردند. گزارش این نگرانیها و پریشانی قرائت به گوش عثمان رسید و عثمان ناگزیر شد به ایراد سخنرانی ویژه ای بپردازد. وی در طی این سخنرانی خطاب به مردم گفت: « انتم عندی تختلفون فیه و تلحتون فمن نای عنی من اهل الامصار اشد فیه اختلافاً و

اشد لحناً... » با این که شما مردم مدینه در نزدیک من بسر می برید این گونه دچار اختلاف در قرائت قرآن هستید! بی تردید آنانکه در نقاط دور دست بسر می برند بیش از شما با اختلاف و اشتباه در قرائت درگیر می باشند.<sup>۶۸</sup> با بررسی منابع تاریخی روشن می گردد که یکی از اصحاب رسول خدا(ص) و از یاران باوفای علی (ع) پیش از همه این مشکل را درک کرده بود او حذیفه بن یمان بود. طبق روایات زمانی که ارتش کوفه و شام به رهبری حذیفه با سپاهیان ارمستان و آذربایجان مشغول جنگ بودند اختلاف در قرائت موجب کشمکش و نزاع شد، اهل کوفه که تابع قرائت ابی بن کعب بودند پیروان قرائت ابن مسعود یعنی اهل شام را تکفیر کردند و آنان نیز اقدام متقابل نمودند. این جنجال لفظی حذیفه را بر آن داشت تا از عواقب این مساله عثمان را مطلع سازد، وی با گوش زد کردن این اختلافات از عثمان خواست قرآن واحدی را مدون سازد.<sup>۶۹</sup>

عثمان پس از مشورت با صحابیان به سرعت به یکسان کردن مصحف ها اقدام کرد نخست در پیامی خطاب به صحابه پیامبر(ص) از آنان دعوت به همکاری نمود سپس چهار تن از خواص خود را که عبارتند از: زید بن ثابت انصاری نویسنده، سعید بن عاص املاء کننده، عبدالله بن زبیر و عبد الرحمان بن حارث بن هشام قریشی را برای اجرای این کار برگزید. رعایت این نکته زید بن ثابت و سرپرستی همگان را خود عثمان به عهده داشت، این اعضا چهار نفری و به تعبیری پنج نفری از عهده این مهم بر نیامدند لذا از افراد کاردان و شایسته همچون ابی بن کعب، مالک بن عامر، کثیر بن اقلح، انس بن مالک، عبدالله ابن عباس و... استمداد جستند. و در نتیجه نسخه ای واحد فراهم آمد عثمان در سراسر حکومت اش اعلامیه داد تا سایر مصاحف جمع آوری و قرائت آنها ممنوع شود اما این یکسان سازی مصاحف و ممنوعیت قرائت سایر مصاحف موجبات ناخشنودی کسانی را فراهم

آورد، که از راه تعلیم قرآن به لغت خاص برای خود صاحب موقعیت و مقامی شده بود. یکی از ناراضیان شخصیت معروف آن زمان عبد الله ابن مسعود که می پنداشت قرآن تدوین شده مستنخ از قرآن خلیفه دوم است که زید بن ثابت آن را نوشته بود.

ناراضی دیگر اجتهادگر آن روز، ابوموسی اشعری بود. او نیز اصرار داشت اگر در نسخه عثمانی اضافاتی وجود دارد. در نسخه او ثبت شود و از حذف زوائد خودداری گردد. این خواست وی متورد پذیرش قرار نگرفت وی با اصرار زیاد حذیفه سرانجام تسلیم گردید.<sup>۷۰</sup>

### ۱۳- استنساخ مصحف عثمانی:

در اینکه قرآن عثمانی از روی چه نسخه و چه مصحفی استنساخ شده است، اختلاف نظر وجود دارد: بسیاری از دانشمندان اهل سنت برآنند که مصحف عثمان از روی نسخه حفصه که همان نسخه عمر خلیفه دوم است نوشته شده است. اما شواهد و دلایلی وجود دارد که این نظریه را مردود می سازد: یکی از آن اعتراض قراء و صحابیان است. مساله وحدت مصاحف موجب ناخشنودی بسیاری از قراء را که خود را با نظریه «اخرف سبقه» ساخته و پرداخته خلیفه دوم عمر سرگرم کرده بودند و برای خود مقام و موقعیت اجتماعی فراهم ساخته بودند چه اینکه قرآن واحدی تدوین شده بود و آنان مجبور به ترک قرائت خویش شده بودند از این رو خلیفه سوم با نسبت دادن این امر به خلفاء پیشین سعی کرد از خود سلب مسئولیت نمایند وی خود را پیرو شیخین کرد و توانست اعتراضات را خاموش نماید. عثمان پس از اینکه با مصریان ملاقات کرد گفت: چرا شما اعتراض می کنید؟ گفتند: چون قرآن ها را از بین بردی. عثمان گفت: مردم در قرائت قرآن اختلاف داشتند. عمر ترسید فتنه ای ایجاد شود، از این رو پرسید، فصیحترین مرد عرب کیست؟ گفتند سعید بن عاص. پرسید: بهترین نویسنده کیست؟ گفتند: زید بن ثابت، عمر نیز دستور داد: با املاء سعید و کتابت زید قرآنی نوشته و در موسم حج خوانده شود. لذا اکنون نیز بحث قرآن بر سر زبانها بود، تا آنکه حذیفه به من نوشت: هنوز مردم قرآنهای خود را به رخ یکدیگر می کشند و می گویند: قرآن من بهتر از قرآن توست، من نیز قرآن عمر را به عنوان قرآن رسمی نشر کردم که همین قرآن است<sup>۷۱</sup>

این ادعا در حالی بود که همه می دانستند، خلیفه هیچ قرآنی در موسم حج برای مردم نخوانده بود به غیر از عثمان کس دیگری نیز ادعا کرد که قرآن رسمی از روی نسخه عمر نوشته شده است. و او ابن مسعود بود دلیل این ادعا هم این بود که وی نمی خواست مصحف خویش را تحویل دهد و تابع قرآن حکومت شود و از این رو او چنین گفت: من نسخه ی خویش را تحویل نمی دهم هر

تفسیر

نگاهی به جمع آوری قرآن و بخش های مربوط به آن

کس نیز می تواند نسخه ی خود را پنهان کند. بخدا قسم من از دهان رسول خدا (ص) هفتاد سوره شنیدم در حالی که زید بن ثابت با موهای بافته شده در مدینه بازی می کرد.<sup>۷۲</sup>

دلیل دوم آنکه عمر کلمات و عباراتی را جزء قرآن می دانست که دیگران نمی پذیرفتند مثلا وی بجای « فاسعوا لی ذکرا... » « فامصوا لی ذکرا... » می خواند و این را به همان شکل که عقیده داشت، می نوشت بدین جهت اگر نسخه عثمانی رونوشت از نسخه عمر بود، باید آیات مورد نظر عمر در قرآن ها موجود می بود و حال آنکه چنین نبود. دلیل دوم اینکه حکومت با اصرار زیاد قرآن حفصه را پیدا کرد و از بین برد و حال آن که اگر نسخه اصلی نسخه ی حفصه می بود از بین برده نمی شد. لذا پس از ذکر این دلیل، شواهدی وجود دارد که نسخه اصلی برای استنساخ نسخه عثمانی نسخه حضرت علی بوده است:

- ۱۳-۱- حذیفه بن یمان که پیشنهاد دهنده وحدت مصاحف بود از اصحاب و یاران نزدیک حضرت (ع) بود، بطوریکه هیچ کاری را بدون او و تایید ایشان انجام داد، بنابراین به یقین حضرت (ع) در نهان این ماجرا حضور توأم و موثر داشته است.
- ۱۳-۲- اینکه سعید بن عاص از دوستان آن حضرت (ع) بود که قرآن را املاء نمود همین امر نیز این مساله را تایید می کند که وی قرائت حضرت (ع) را املاء کرده باشند.
- ۱۳-۳- اینکه در ابن جریر از ابن سیرین روایت شده که ( قرائتی که در سال رحلت پیامبر (ص) بر آن خوانده شد به همین قرائت امر و نهی است، )<sup>۷۳</sup> و به یقین آخرین قرائتی که بر پیامبر (ص) از قرآن خوانده شد قرائت علی (ع) بود زیرا آن حضرت از همه به رسول خدا (ص) نزدیک تر بود.

#### ۴- ویژگی های مصحف عثمانی و قرآن موجود:

مصحف عثمانی دارای ویژگی هایی بوده است که برخی از آنها در قرآن کنونی وجود دارد که به شرح زیر است:

- ۱۴-۱- ترتیب: ترتیب مصحف عثمانی همان ترتیبی است که در قرآن کنونی وجود دارد.
- ۱۴-۲- مصحف های عثمانی طبق مقتضای شیوه نگارش در آن روز خالی از هرگونه نقطه و علامت بوده است. و این امر ( نقطه، علامت ) در مرور زمان بوجود آمده است.
- ۱۴-۳- ناهنجاری های نوشتاری. مصحف های عثمانی با نوشتارش با نوشتار متداول امروزی ناهنجاری های املائی فراوان داشته است به گونه ای که قرآن از طریق سماع و تواتر در قرائت ضبط نمی شد و مسلمانان این روش را از یکدیگر به ارث نمی بردند. امروزه قرائت صحیح بسیاری از کلمات محال می نمود ولی این ناهنجاری ها به تدریج مرتفع گشته است.

## پی نوشتها:

۱. سوره حجر، آیه ۹
۲. ان القرآن ظاهره ایتق، و باطنه عمیق، لا تفتنی عجائبه و لا تنقضی غرائبیه، و لا نکشف الظلمات الدیبه؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۸، ۱۹، ۱۷۶، ص ۶۱، ۳۱۵، صبحی صالح، طبع ۵، موسسه دار الهجرة.
۳. فتح البلدان، ص ۲۵۶، ۲۵۷
۴. همان مدرک، ص ۴۹۵؛ تاریخ القرآن زنجانی؛ ص ۴۳ با مناهل الفرقان، ص ۲۹۵، و المصاحف ابن اشته اصفهانی، ص ۳
۵. عنکبوت، آیه ۴۹، ۴۸
۶. اعراف، آیه ۱۵۸، ۱۵۷
۷. آل عمران، آیه ۱۶۴
۸. بلاشر، دستفالی و کازانوا (به نقل از مباحث فی علوم القرآن، ص ۶۹ دکتر صبحی صالح)
۹. زوجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، ص ۲۱، ۲۰
۱۰. همان مدرک، ص ۴۲
۱۱. الفهرست، ص ۳۰
۱۲. منیه المرید، ص ۲۷۹
۱۳. زوجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، ص ۶۳
۱۴. القیامت، ص ۱۷
۱۵. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۱۳ و الفهرست، ص ۳۰
۱۶. رجوع کنید: پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، محمد باقر محبی، ص ۲۱۸
۱۷. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۱۴
۱۸. قیامه، آیه ۱۰
۱۹. الاتقان، ج ۱، ص ۶۰، البرهان، ج ۱، ص ۲۳۷، مقدمتان فی علوم القرآن، ص ۴۹، مباحث فی علوم القرآن، ۱۱۸، مناهل الفرقان، ۲۰۳ و البیان، ج ۱، ص ۲۴۰
۲۰. مناهل الفرقان، ص ۲۰۳
۲۱. مقدمتان فی علوم القرآن، ص ۴۹

تفسیر

نگاهی به جمیع آوری قرآن و بخش های مربوط به آن

۲۵۱

۲۲. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم ( منقول از مقدمه مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵)

۲۳. البیان، ج ۱، ص ۲۵۶

۲۴. الاتقان - ج ۱، ص ۲۰۲

۲۵. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۰ و ج ۶، ص ۹۸ و کتاب تفسیر القرآن، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۴۶ و مسند احمد، ج ۱۰، ص ۱۸۸

۲۶. ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۷

۲۷. فصل الخطاب، ص ۱۴ و ۱۵

۲۸. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۸ و ۵۲

۲۹. الفهرست، ص ۳۰

۳۰. محمد بن اسحاق ندیم، الفهرست، ص ۲۹

۳۱. الاتقان، ج ۱، ص ۱۶۲ و تلخیص الشهدی، ج ۱، ص ۲۲۶

۳۲. الاتقان، ج ۱، ص ۱۵۷ و طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۱۰۱

۳۳. التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۱، ص ۴ و الشهدی، ج ۱، ص ۲۸۸، ۲۹۹ و ۲۹۲

۳۴. بقره، آیه ۲۴۰

۳۵. بقره، آیه ۲۲۴

۳۶. متحنه، آیه ۱

۳۷. ر. ک بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۱۲، روایه، باب ۲۶

۳۸. الاتقان، ج ۲، ص ۱۶۲

۳۹. محمد هادی معرفت، علوم قرآنی، ص ۱۲۲ ( به نقل از محمد جواد بلاغی، آلاء الرحمان، ج ۱، ص ۲۵۷)

۴۰. تفسیر البیهران، ج ۱، ص ۱۶ شماره ۱۴

۴۱. همان

۴۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۱۳

۴۳. الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۶۰، طهران، منشورات علمیه اسلامیة

۴۴. الکافی، ج ۴، ص ۴۴۴، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی .

۴۵. جهت اطلاع بیشتر راجع به سرانجام مصحف علی (ع) رجوع کنید به: السفینه، ص ۸۲



۴۶. ابن قتیبہ، تاویل مشکل القرآن، ص ۲۸ و ۴۹ -  
 ۴۷. سوره حجر، آیه ۸۷ -  
 ۴۸. الاتقان، ج ۱، ص ۱۷۶ و تلخیص الشہید، ج ۱، ص ۲۵۴  
 ۴۹. الاتقان، ج ۱، ص ۱۷۵  
 ۵۰. همان مدرک  
 ۵۱. تلخیص الشہید، ج ۱، ص ۲۵۶ جهت اطلاع بیشتر رجوع کنید به: تفسیر کبیر رازی، ج ۱، ص ۲۳۱ و تفسیر طبری، ج ۱۵، ص ۱۶۲  
 ۵۲. مانند، آیه ۳۸  
 ۵۳. سوره بقره، آیه ۲۱۳  
 ۵۴. زمخشری، جارالله، الکشاف، ج ۱، ص ۲۵۵  
 ۵۵. جهت اطلاع از متن این دو دعا ر. ک به الاتقان ج ۱، ص ۱۷۸  
 ۵۶. الاتقان، ج ۱، ص ۱۷۸  
 ۵۷. همان مدرک و همان صفحہ  
 ۵۸. یس، آیه ۵۲  
 ۵۹. توبہ، آیه ۱۲۸  
 ۶۰. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۰ و ج ۶، ص ۹۸، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۳۴۶ و مسند احمد ج ۱۰، ص ۱۸۸ و الفہرست ص ۲۷ و الاتقان ج ۲، ص ۱۶۱ و مباحث فی علوم القرآن ۷۵ و البرہان ج ۱، ص ۲۳۳  
 ۶۱. ر. ک تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۳  
 ۶۲. اسد الغابہ فی معرفہ الصحابہ، ج ۲، ص ۱۱۴، و صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۲۵  
 ۶۳. علوم قرآنی، محمد ہادی معرفت، ص ۱۲۵  
 ۶۴. فتح الباری، ج ۹، ص ۱۶، مناہل الفرقان ج ۱، ص ۲۵۴ و البرہان ج ۲، ص ۲۵  
 ۶۵. التہذیب فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۰۰ (به نقل از ارشاد فی شرح البخاری ج ۷، ص ۴۴۹)  
 ۶۶. الاتقان، ج ۱، ص ۱۴۶  
 ۶۷. جهت اطلاع بیشتر در این زمینہ رجوع کنید به: الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۵۵ و مصاحف سجستانی ص ۱۰۱۴

نگاهی به جمع آوری قرآن و بخش های مربوط به آن

۶۸. جامع البيان ( تفسیر طبری ) ج ۱ ، ص ۲۱ ، الاتقان ، ج ۱ ، ص ۱۶۵ و مباحث فی علوم القرآن ، ص ۱۲۴  
 ۶۹. جهت اطلاع در زمینه اختلاف در قرائات و ... رجوع کنید به : الکامل فی التاریخ ، ج ۳ ، ص ۱۱۱ و فتح  
 الباری ، ج ۹ ، ص ۱۵  
 ۷۰. تاریخ مدینه منوره ، ج ۲ ، ص ۹۹۸ و ۱۰۰۵ ، سنن الترمذی ، ج ۴ ، ص ۳۴۸  
 ۷۱. تاریخ مدینه ، ج ۳ ، ص ۱۱۳۶  
 ۷۲. همان مدرک ، ص ۱۰۰۵  
 ۷۳. المصنف ، ج ۷ ، ص ۲۰۴

نگاهی به جسم آوری قرآن و بخش های مربوط به آن